

تبیین قوام بودن مرد با استناد به آیه ۳۴ سوره نساء: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ...»

حدیثه جهانشاهلو^۱

چکیده

قرآن کریم در آیات مختلف خود مباحثی را در مورد خانواده و ارتباط زوجین بیان کرده است. یکی از آیات در این موضوع آیه ۳۴ سوره نساء است که اشاره به قوام بودن مرد بر زن دارد. در مورد این آیه در کتب تفسیری نکاتی بیان شده و نظریات مختلفی وجود دارد، از آنجائی که ولایت مرد بر زن و ابعاد مختلف آن از مسائل مورد ابتلاء در زندگی خانوادگی است، بحث در مورد معنای این آیه و تفسیر آن دارای اهمیت فراوانی است، به خصوص اینکه ممکن است برخی از مردان از این آیه برداشت نادرستی داشته باشند و بخواهند ولایت خود را در خانه و قوامیت را به معنای زورگویی بدانند. به همین جهت باید در این موضوع بحث کرد. نتیجه این نوشتار این است که ولایت مرد بر زن نوعی مسئولیت است و سرپرستی مرد بر زن را می رساند و به معنای زورگویی و تسلط نیست.

کلید واژه: خانه، زن، قوام بودن، مرد.

^۱ . حوزه زینبیه آبیگ.

بحث از ولایت مرد بر زن یکی از بحثهای مهم است که امروز در مسئله خانواده و روابط زوجین دارای اهمیت فراوان است. دین اسلام این موضوع را در قرآن کریم بیان کرده و در سوره نساء در مورد این مسئله تحت عنوان قوام بودن مرد به آن پرداخته است. در مورد تفسیر قوام بودن مرد بر زن در میان مفسرین اسلامی، چه شیعه و چه اهل سنت نظریات مختلفی وجود دارد و به خصوص در عصر حاضر، مفسرین مطالب فراوانی را در این خصوص بیان کرده اند. در این نوشتار به بررسی معنای قوام بودن مرد بر زن با استفاده از منابع تفسیری فریقین پرداخته تا بتوانیم تفسیر روشنی از آیه ۳۴ سوره نساء بیان داریم.

با مراجعه به تفاسیر روشن می شود که در این خصوص در کتب تفسیر بحثهای مفصلی صورت گرفته است و مفسرین نظریات مختلفی در تفسیر قوام بودن مرد بیان کرده اند، در این نوشتار به اندازه این مقاله در مورد این نظریات بحث می کنیم و خلاصه از مهمترین نظریات را در قالب سه دیدگاه بیان می داریم.

با تحقیق و بررسی در منابع روشن می شود که در موضوع قوامیت مرد در خانه تاکنون آثار زیادی تألیف شده است که هر کدام از این آثار دارای ویژگی مخصوص به خود است. در این قسمت از مقاله برخی از این آثار اشاره می شود.

۱. مفهوم شناسی قوامیت مرد بر زن در تفاسیر عرفانی، انسیه جعفری؛ در این مقاله نویسنده در مورد مفهوم قوامیت مرد بر زن در خانه با توجه به تفاسیر عرفانی بحث کرده است. از دو جهت این مقاله با نوشتار حاضر متفاوت است، اولاً رویکرد آن تفاسیر عرفانی است، و ثانیاً محوریت تفاسیر شیعه و اهل سنت در دستور کار آن نیست.

۲. بازشناسی مفهوم قوامیت مرد بر زن، فاطمه کریمی؛ در این مقاله نیز در مورد مفهوم قوامیت مرد بر زن نکات خوبی بیان شده است و با استفاده از نظریه علمای اسلام در این خصوص تحقیقات خوبی صورت گرفته است. این اثر نیز رویکرد تفسیری شیعه و اهل سنت را مد نظر کار خود قرار نداده است به همین جهت با نوشتار حاضر متفاوت است.

در مجموع با بررسی آثاری که تاکنون در موضوع محل بحث تألیف شده است روشن می گردد که در این موضوع به طور ویژه در تفاسیر شیعه و اهل سنت تحقیق جامعی صورت نگرفته است.

سؤال اصلی این نوشتار این است که مفسرین شیعه و اهل سنت در منابع تفسیری در مورد مفهوم قوام بودن مرد در خانه چه مطالبی را بیان کرده اند؟ به عبارت دیگر معنای قوام بودن مرد در خانه با توجه به منابع تفسیری شیعه و اهل سنت چیست؟

مفهوم شناسی

(۱) قوام

ابتدا در مورد مفهوم «قوام» توضیح داده می شود. این مفهوم در زبان عربی و فارسی استعمال می شود. ریشه آن در زبان عربی از ماده «قیام» است. قیام در زبان عربی در اصل به معنای برخاستن ضد نشستن است.^۱ به گفته راغب اصفهانی یکی از معانی قیام، مراقبت و محافظت از یک چیز است،^۲ و واژه قوام صیغه مبالغه از همین معناست، قوام کسی است که نهایت مراقبت و محافظت از یک چیز را دارد. همچنین واژه قوام ارتباط با مفهوم قوام در زبان عربی دارد، قوام در عربی به معنای اساس و عمود یک چیز محسوب می شود که استواری و نظم یک چیز مربوط به آن است.^۳

در زبان فارسی واژه قوام به معنای کسی یا چیزی است که وجود چیزی وابسته به آن باشد، همچنین در مورد اصل و اساس چیزی به کار می رود.^۴

در اصطلاح، در مورد مفهوم قوام بین مفسرین و فقها اختلاف نظر وجود دارد. طبق برخی از نظریات، مراد از قوامیت در اصطلاح این است که کسی مسئولیت و سرپرستی شخص دیگری را بر عهده داشته باشد و متکفل امور او باشد.^۵ در این خصوص در این مقاله توضیح بیشتری داده خواهد شد.

مفهوم قوام از آیه قرآن کریم گرفته شده است، قرآن می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر

۱. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶ ص ۴۷.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۹۰.

۳. فیومی، مصباح المنیر، ج ۲ ص ۵۲۰.

۴. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۴ ص ۲۷۱۹.

۵. طباطبائی، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه همدانی، ج ۴ ص ۵۴۳.

برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.^۱

(۲) مرد

این واژه در لغت فارسی به معنای جنس مذکر، جنس نر از انسان و در مقابل زن به کار می‌رود، همچنین این واژه در مورد انسانی به کار می‌رود که به سن بلوغ رسیده باشد و دارای حدی از کمال و رشد باشد.^۲ البته گاهی این واژه در زبان فارسی به معنای وصفی و به معنای شجاع، دلیر و مبارز به کار می‌رود^۳ که این معنا در این نوشتار مورد نظر نیست.

در اصطلاح واژه مرد، و همچنین واژه رجل در زبان عربی، به همان معنای لغوی یعنی جنس مذکر در مقابل جنس مؤنث به کار می‌رود.^۴ همچنین در کتب مصطلحات علوم تصریح شده است که این واژه در خصوص افرادی به کار می‌رود که از سن بلوغ عبور کرده باشند و در مورد مذکری که در سنین کودکی است به کار نمی‌رود.^۵

(۳) خانه

یکی دیگر از مفاهیمی که ارتباط با این نوشتار دارد مفهوم خانه است. خانه در زبان فارسی به معنای کاشانه، منزل، سرا، جائی که انسان در آن سکونت دارد، اتاق، و معانی از این قبیل اشاره می‌شود. البته گاهی به طور مجاز، در مورد اهل خانه مثلاً زن خانه نیز استعمال می‌شود.^۶

در اصطلاح نیز خانه به همان معنای لغوی استعمال می‌شود^۷ و در بحث مورد نظر نیز مراد از خانه محل سکونت مرد است که در آن در کنار همسر خود زندگی می‌کند و روابط آنها در همان محیط شکل می‌گیرد.

۱. نساء: ۳۴.

۲. دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲ ص ۲۶۶۲.

۳. همان.

۴. تهانوی، موسوعة کشاف اصطلاح الفنون، ج ۱ ص ۲۷۶.

۵. جرجانی، التعریفات، ص ۴۸.

۶. دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱ ص ۱۰۷۹.

۷. همان.

مفهوم قوام بودن مرد بر زن در تفاسیر شیعه و اهل سنت

در مورد تفسیر مفهوم قوامیت در آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.»^۱ در میان مفسران شیعه و اهل سنت تفاسیر مختلفی وجود دارد که در این قسمت از مقاله مهمترین نظریات در این خصوص بیان می‌گردد.

(۱) معنای سرپرستی، ولایت و ریاست

تفسیر اولی که در مورد قوام بودن مرد بر زن در خانه دیده می‌شود این است که مراد از قوام بودن، همان ولایت، سرپرستی و ریاستی است که مرد در خانه نسبت به زن دارد. این مطلب در کتب تفسیری مختلفی از شیعه و اهل سنت تصریح شده است.

در میان مفسرین شیعه، برخی به همین معنا تصریح کرده اند. به عنوان نمونه طبرسی در مجمع البیان در تفسیر آیه فوق، همین معنا را ذکر کرده و مینویسد: «هذا بیان سبب تولیة الرجال علیهن أی إنما ولاهم الله أمرهن لما لهم من زيادة الفضل علیهن بالعلم والعقل و حسن الرأی و العزم؛ این بخش از آیه سبب ولایت مرد بر زن را بیان می‌کند، معنایش این است که خدا مرد را بر زنان ولایت داده است، به خاطر فضیلتی که مردان دارند از علم، و عقل، و نظر خوب و عزمی که دارند.»^۲

از عبارت ایشان به خوبی استفاده می‌شود که ایشان مراد از قوام در آیه فوق را همان ولایت و تسلط مرد بر زن دانسته اند، به همین جهت به تشریح سبب این ولایت پرداخته و علم، حسن رأی و اموری از این قبیل را دلیل این ولایت می‌داند.

مراد این دسته از مفسرین از فضایل مرد، نکاتی است که در تعالیم اسلام در مورد فضیلت مرد در عقل و تدبیر آمده است، به عنوان نمونه امام علی (ع) در مورد برتری عقلانی مرد نسبت به زن می‌فرماید:

۱. نساء: ۳۴.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳ ص ۶۸.

حکمی جامع است که برای نوع مردان بر نوع زنان وضع شده است. در میان مفسرین شیعه علامه طباطبائی^۱ این دیدگاه را پذیرفته است.

علامه طباطبائی در این خصوص مینویسد: «از عمومیت علت به دست می‌آید که حکمی که مبتنی بر آن علت است یعنی قیم بودن مردان بر زنان نیز عمومیت دارد، و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست، و چنان نیست که مردان تنها بر همسر خود قیومت داشته باشند، بلکه حکمی که جعل شده برای نوع مردان و بر نوع زنان است، البته در جهات عمومی که ارتباط با زندگی هر دو طایفه دارد، و بنابراین پس آن جهات عمومی که عامه مردان در آن جهات بر عامه زنان قیومت دارند.»^۲

در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر از مفسرین قائل هستند که آیه ۳۴ سوره نساء، یعنی آیه محل بحث، تنها دلالت بر قوام بودن مرد بر زن در محیط خانه دارد، به عبارت دیگر این آیه قوام بودن شوهر در محیط خانه و در زندگی زناشویی را می‌رساند، از اینرو هیچ ارتباطی با قوام بودن جنس مرد بر زن ندارد، و آیه شامل سائر مسائل اجتماعی نمی‌شود. در میان مفسرین معاصر، جوادی آملی این دیدگاه را اختیار کرده و در این خصوص در تفسیر تسنیم و سائر آثار خود بحثهای مفصلی را مطرح کرده است. ایشان در توضیح آیه شریفه بیان میدارند که اولاً قوام بودن در این آیه صرفاً برای شوهر است، نه مطلق مرد، ثانیاً هیچ دلالتی بر فضیلت مرد ندارد؛ ایشان در این مورد مینویسد: «آنچه عنصر محوری آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را تشکیل می‌دهد که خارج از بحث کنونی است جریان سنجش زن و شوهر نه مطلق زن و مرد است.»^۳

همچنین در برخی دیگر از آثار خود در این خصوص مینویسد: «قیومت مربوط به موردی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد. قوام بودن در این مقام نیز نشانه کمال و تقرب الی الله نیست، همچنانکه در وزارتخانه ها، مجامع، جامعه ها، افرادی هستند که قوام دیگری یعنی مدیر، مسؤول و رئیس و مانند آن هستند اما این مدیریت، فخر معنوی نیست بلکه یک

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴ ص ۳۴۳.

۲. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، ج ۴ ص ۵۴۳.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۴ ص ۱۴۳.

مسئولیت اجرایی است و ممکن است کسی که ریاست آن مؤسسه را به عهده ندارد خالصانه تر از قیّم کار بکند و پیش خدا مقرب تر باشد. قوام بودن مربوط به مدیریت اجرایی است.»^۱

برخی دیگر از مفسرین معاصر نیز همین معنا را در تفسیر آیه مورد بحث بیان کرده اند.^۲ نتیجه این است که طبق تفسیر دوم، قوام بودن مرد تنها مربوط به شوهر، در امور منزل و در رابطه با همسر خود است و هیچگاه شامل سائر امور اجتماعی نمی شود. به عبارت دیگر آنچه قرآن کریم در این خصوص بیان داشته است، ارتباط با بحث خانواده دارد و مراد از آن نیست که رابطه سائر مردان و زنان در اجتماع بیان شود، هدف از قوام بودن مردم در این آیه، بیان رابطه ای بین مرد و همسر خود بوده است، آن هم در حوزه مسائل مربوط به خانواده.

از آنچه بیان گردید روشن می شود که در آیه مورد نظر، هم در مورد قوام بودن و معنای صحیح آن اختلاف نظر وجود دارد، و هم از جهتی دیگر در مورد اینکه آیا قوام بودن معنایی است که ارتباط با جامعه اسلامی دارد یا منحصر به امور خانوادگی است، در میان مفسرین گفتگو و بحث وجود دارد.

۱. جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ص ۳۹۱.

۲. هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۳ ص ۳۰۱.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با عنوان مفهوم قوام بودن مرد در خانه در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت صورت گرفت. هدف از این نوشتار بررسی دقیق معنای قوام بودن مرد در خانه با استفاده از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت و نظریات مفسرین فریقین در این خصوص بود.

نتیجه این است که در مورد مفهوم قوام بودن مرد بر زن در میان مفسرین سه دیدگاه معروف وجود دارد. دیدگاه اول که برخی از مفسرین همچون طبرسی بیان کرده اند، این است که مراد ولایت و سلطه مرد بر زن است. دیدگاه دوم که برخی از مفسرین بیان کرده اند، حفاظت مرد از زن و مسئولیت او در قبال زن است و هیچگاه ولایت مرد بر زن را بیان نمی کند. دیدگاه سوم که توسط برخی همچون مکارم شیرازی تبیین شده است، تلفیقی از ولایت و مسئولیت است یعنی پیوند دو دیدگاه نخست با یکدیگر است.

همچنین روشن شد که در مورد گستره مفهوم قوام بودن نیز در میان مفسرین اختلاف نظر وجود دارد، برخی دامنه قوام بودن را منحصر بر شوهر نسبت به همسر خود می دانند، برخی نیز دامنه آن شامل جنس مرد نسبت به جنس زن می دانند.

منابع

قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (جلد ۱۴)، قم: اسراء، چاپ دوم.
۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم: اسراء، چاپ نوزدهم.
۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات، چاپ دوم.
۴. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۷۴ ه.ش.
۸. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول.
۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.
۱۰. ابن اثیر، مبارک، النهاية فی غریب الحديث، قم: اسماعیلیان.
۱۱. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
۱۲. تهنوی، محمد اعلی، موسوعة کشف اصطلاح الفنون، بیروت: لبنان، چاپ اول.
۱۳. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بیروت: الاعلمی، چاپ دوم.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۱۹. طبری، ابن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۰. فضل الله، محمد حسین، تأملات اسلامیة حول المرأة، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامی.
۲۱. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، چاپ اول.
۲۲. فیض کاشانی، محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: دارالهجره، چاپ دوم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ سوم.
۲۶. محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: نشر علوم اسلامی
۲۷. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، قم: دارالکتب، چاپ اول
۲۸. مجموعه نرم افزارهای کامپیوتری علوم اسلامی نور.